

## تحلیل و نقد تاریخی گزارش امین الاسلام طبرسی از غزوه خیبر

سعید طاوسی مسرور<sup>۱</sup>

**چکیده:** این پژوهش به بررسی چگونگی گزارش طبرسی به عنوان یک سیره‌نویس شیعه از غزوه خیبر از طریق نقد تاریخی گزارش وی در تطبیق با دیگر منابع سنی و شیعی پرداخته است. برای این بررسی، اجزای گزارش طبرسی با دیگر منابع سنی و شیعی تطبیق شده و با استفاده از این روش، ضمن مشخص کردن منابع طبرسی و نقاط قوت و ضعف گزارش وی، تأثیرات تفاوت نگاه سیره نویسان شیعی و سنی و یا تفاوت منابع آنان بر نحوه نقل وقایع این غزوه نشان داده شده است. برآمد این بررسی نشان می‌دهد که هرچند طبرسی مانند دیگر سیره‌نویسان شیعی به ناچار در تدوین کتاب خود از منابع اهل تسنن بسیار بهره برده، اما نگاه او به سیره نبوی و غزوات پیامبر (ص) شیعی است چنان که می‌توان گزارش وی از غزوه خیبر را تحلیل شیعی گزارش منابع اهل تسنن دانست؛ به این شکل که اولاً با دید انتقادی از منابع اهل تسنن استفاده کرده و مطالب خود را از بین نوشته‌های مختلف آنان گزینش کرده و ثانیاً عصاره آثار و متون شیعی پیش از خود را در متن آورده است.

**واژه‌های کلیدی:** سیره نبوی، سیره‌نویسی، غزوه خیبر، امین الاسلام طبرسی، اعلام الوری  
باعلام الهدی

---

۱ دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه تهران Saeed.tavoosi@gmail.com

تاریخ دریافت: اسفند ۱۳۹۱، تاریخ تأیید: اردیبهشت ۱۳۹۲

## ***Amin al-Islām al-Tabrisī's* report on the *Khyber* War: a source- critical study**

Saeed Tavoosi Masroor<sup>1</sup>

**Abstract:** As a Shi'ite historian and compiler of *Sirā*, *Amin al-Islām al-Tabrisī* made a specific report on the *Khyber* war. In this study a source-critical analysis of his report and a comparison with other shi'ite-Sunni sources is undertaken. Through this method the strength and flaws of the report by considering his sources. The outcome of this report indicates that whilst using Sunni sources by *Tabrisī* was inevitable, his portrait of those narratives show shi'ite attitudes. As a shi'ite definition of Sunni sources, *Khyber's* report by *Tabrisī* is a model for critical use of Sunni narratives to extract their shi'ite Kernel.

**Keywords:** *Sirā*, *Khyber's* War, *Amin al-Islām Tabrisi*, *Al- Alām al wūra bi l'lām al-Hūda*

1 P.h.D Candidate of Islam History, Tehran University

---

Saeed.tavoosi@gmail.com

## مقدمه

غزوه خیبر از مهم‌ترین غزوات رسول خدا(ص) به شمار می‌رود که از چند نظر اهمیت دارد: اول این که این غزوه و حوادث پس از آن، آخرین رویارویی نظامی پیامبر(ص) با یهودیان است و دیگر دو این که در این غزوه مسائلی مرتبط با اهل بیت(ع) وجود دارد؛ ابتدا این که فتح خیبر به دست امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب(ع) صورت گرفت در حالی که برخی از بزرگان صحابه در فتح آن توفیق نیافتند. به علاوه پیامبر(ص) در این غزوه روایت مشهوری درباره آن حضرت فرمود که این حدیث از فضایل غیر قابل انکار امام علی(ع) به شمار می‌رود و دیگری مسئله فدک و چگونگی گرفتن آن و اختصاص آن به پیامبر(ص) و سپس حضرت زهرا(س) است.

امین الاسلام طبرسی(م ۵۴۸ق) به عنوان یک سیره‌نویس و مورخ شیعه در کتاب خود درباره تاریخ چهارده معصوم(ع)، اعلام‌الوری باعلام‌الهدی بابی را به غزوات رسول الله(ص) اختصاص داده و با رعایت اختصار به شرح وقایع هریک از غزوات از جمله غزوه خیبر پرداخته است. مسئله اصلی این تحقیق، چگونگی گزارش طبرسی به عنوان یک سیره‌نویس شیعه از غزوه خیبر است و از این نظر سودمند است که می‌تواند نشان دهد هرچند او مانند دیگر سیره‌نویسان شیعی به ناچار در تدوین کتاب خود از منابع اهل تسنن بسیار بهره برده، اما نگاه او به سیره نبوی و غزوات پیامبر(ص) شیعی است، چنان که می‌توان گزارش وی از غزوه خیبر را تحریر شیعی گزارش منابع اهل تسنن دانست؛ به این شکل که اولاً با دید انتقادی از منابع اهل تسنن استفاده کرده و مطالب خود را از بین نوشته‌های مختلف آنان گزینش کرده و ثانیاً عصاره آثار و متون شیعی پیش از خود را در متن آورده است. در این تحقیق، که با روش تحلیل و نقد تاریخی انجام خواهد شد، اجزای گزارش طبرسی با دیگر منابع سنی و شیعی تطبیق خواهد شد و با استفاده از این روش، ضمن مشخص کردن منابع طبرسی و نقاط قوت و ضعف گزارش وی، تأثیرات تفاوت نگاه سیره‌نویسان شیعی و سنی و یا تفاوت منابع آنان، بر نقل وقایع این غزوه تبیین خواهد شد. به علاوه این تحقیق را می‌توان مطالعه موردی سیره‌نویسی شیعیان دانست که چون با تطبیق بر سیره‌نگاری اهل تسنن انجام می‌شود، به شاخص‌های سیره‌نویسی شیعه نیز رهنمون تواند بود.

روش در این مقاله چنین است که ابتدا اجزای گزارش طبرسی درون «» به صورت درشت نویس خواهد آمد و سپس آن بخش از گزارش با دیگر منابع شیعه و سنی مقایسه شده و با توجه به اطلاعات به دست آمده از این مقایسه، گزارش طبرسی از غزوه خیبر نقد و تحلیل خواهد شد.

به علاوه از خلال این مقایسه نوع نگاه دیگر سیره‌نویسان به وقایع غزوه خیبر نیز مشخص خواهد شد. لازم به ذکر است از آنجا که بنای طبرسی بر اختصار بوده، در این مقاله صرفاً به بررسی تطبیقی آنچه در گزارش وی آمده است خواهیم پرداخت و نه آنچه که در منابع دیگر درباره این غزوه آمده و طبرسی نیاورده است؛ زیرا پرداختن به آن‌ها از حوصله این مقاله خارج است و خود مقاله‌ای دیگر و بلکه کتابی مستقل می‌طلبد.<sup>۱</sup>

### تحلیل و نقد تاریخی گزارش طبرسی

«ثم كانت غزوة خيبر في ذي الحجة سنة ست - و ذكر الواقدي: انها كانت اول سبيع من الهجرة» گزارش واقدي (م ۲۰۷): قالوا: قدم رسول الله صلى الله عليه و سلم المدينة من الحجة سنة ست في ذى الحجة تمام سنة ست، فأقام بالمدينة ذى الحجة سنة ست - والمحرم، و خرج في صفر سنة سبيع - و يقال خرج لهلال ربيع الأول - إلى خيبر.<sup>۲</sup>

طبرسی وقوع غزوه خیبر را در ذیحجه سال ششم می‌داند و از واقدی نقل می‌کند که این غزوه در ابتدای سال هفتم هجری رخ داده است. با مراجعه به اصل متن مغازی واقدی، مشخص می‌شود که نقل طبرسی چندان دقیق نیست زیرا واقدی به نقل از مشایخش که غزوه خیبر را از آنان روایت کرده و از آنان نام برده، نوشته که پیامبر (ص) در ذیحجه سال ششم از حدیبیه به مدینه بازگشت و بقیه این ماه و محرم را در مدینه بود و در ماه صفر عازم خیبر شد و تصریح کرده که برخی گفته اند که رسول الله (ص) پس از رؤیت هلال ماه ربيع الاول به سمت خیبر حرکت کرد. اما از نقل طبرسی از واقدی به غلط، ظاهر می‌شود که این غزوه در محرم سال هفتم رخ داده است. هر چند محتمل است که به ماه‌های آغازین سال، اول سال گفته شود چنان که بیهقی<sup>۳</sup> و ذهبی<sup>۴</sup> نیز مانند طبرسی از واقدی نقل کرده‌اند که این غزوه در اول سال هفتم بود؛ اما این احتمال هم وجود

۱ ایده نگارش این مقاله از استادم حجة الاسلام و المسلمین دکتر رسول جعفریان است که بدین وسیله از ایشان تشکر کرده و برایشان از درگاه خداوند طلب سلامتی و توفیق روز افزون دارم.

۲ برای متن این گزارش از غزوه خیبر نک. ابوعلی فضل بن حسن طبرسی (۱۳۹۰)، اعلام الوری باعلام الهدی، ج ۱، تهران: دار الکتب الاسلامیه، صص ۲۰۷ - ۲۱۰.

۳ ابوعبدالله محمد بن عمر واقدی (۱۴۰۹ق)، المغازی، تحقیق مارسدن جونز، ج ۲، بیروت: الاعلمی، ص ۶۳۴.

۴ ابوبکر بیهقی (۱۴۰۵ق)، دلائل النبوة و معرفة احوال صاحب الشریعة، و توثق اصوله و خرج حدیثه و علق علیه عبد المعطی امین قلجی، ج ۴، بیروت: دار الکتب العلمیه، ص ۱۹۷.

۵ شمس الدین ابوعبدالله محمد بن احمد ذهبی (۱۴۰۹ق)، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، عمر عبدالسلام تدمری، ج ۲، بیروت: دارالکتب العربی، ص ۴۰۳.

دارد که طبرسی و ذهبی به اصل کتاب واقدی مراجعه نکرده و این مطلب را از کتاب *دلائل النبوه* بیهقی نقل کرده باشند. به هر حال عبارت اول سال هفتم حاوی تفصیلی که واقدی آورده، نیست.

- قول به وقوع این غزوه در ذیحجه سال ششم که اختیار طبرسی است چندان صحیح به نظر نمی‌رسد زیرا هرچند موسی بن عقبه از ابن شهاب زهری نقل کرده که غزوه خیبر در سال ششم بود<sup>۱</sup> اما به تصریح ذهبی<sup>۲</sup> این قول شاذ است. ابن کثیر نیز این قول را رد کرده و بر وقوع این غزوه در ابتدای سال هفتم صحه گذاشته است.<sup>۳</sup> به نوشته مقریزی وقوع خیبر در سال ششم، قول امام مالک و ابوبکر بن حزم است اما از نظر مقریزی این قول مخالف جمهور است و خود وی این غزوه را در صفر سال هفتم نوشته است.<sup>۴</sup>

وقوع این غزوه در ابتدای سال هفتم، قول ابن اسحاق است که آن را از عبد الله بن ابی بکر و غیر او نقل کرده است. مطابق روایت وی، آغاز غزوه خیبر در محرم بوده و پیامبر (ص) در آخر ماه صفر به مدینه بازگشته است.<sup>۵</sup> به علاوه ابن اسحاق از ابن شهاب زهری نقل کرده<sup>۶</sup> که بعد از حدیبیه سوره فتح بین مکه و مدینه بر رسول الله (ص) نازل شد<sup>۷</sup> و این سوره به فتح خیبر بشارت داد. آن حضرت (ص) در ذیحجه به مدینه بازگشت و در محرم به سمت خیبر رفت. این گزارش که زهری آن را از عرو بن زبیر و او از مروان بن حکم و مسور بن مخزوم نقل کرده با آنچه موسی بن عقبه از زهری نقل کرده تفاوت آشکار دارد.

طبری بنا بر خبر ابن اسحاق خروج پیامبر (ص) به سمت خیبر را در محرم گزارش کرده است.<sup>۸</sup> ابو الربیع حمیری کلاعی (م ۶۳۴) نیز بر همین نظر است.<sup>۹</sup> اما بهترین قول درباره تاریخ وقوع غزوه خیبر را که جمع‌بندی اقوال پیشین است،<sup>۱۰</sup> بن خیاط (م ۲۴۰) به نقل از ابوالحسن

۱ بیهقی، همان، ج ۴، صص ۱۹۵ - ۱۹۶.

۲ همانجا.

۳ ابوالفداء اسماعیل ابن کثیر [بی تا]، *البدایة والنهایة*، ج ۴، بیروت: دار الفکر، ص ۱۸۱.

۴ تقی الدین مقریزی (۱۴۲۰ق)، *امتاع الاسماع بما للنبی من الاحوال والاموال والحفدة والمتاع*، تحقیق و تعلیق محمد عبد الحمید نمیبی، بیروت: دار الکتب العلمیة، ج ۱، ص ۳۰۶، ج ۸، ص ۳۸۲.

۵ نک. ابن هشام [بی تا]، *السیرة النبویة*، تحقیق مصطفی سقا و دیگران، بیروت: دارالمعرفة، ج ۲، ص ۳۲۸؛ بیهقی، همان، ج ۴، صص ۱۹۶ - ۱۹۷؛ ذهبی، همانجا.

۶ بیهقی، همان، ج ۴، ص ۱۹۷.

۷ نک. قرآن کریم، فتح/۱۸ - ۲۰؛ برای تفصیل بیشتر درباره آیات مربوط به خیبر، نک. محمدرضا ناجی (۱۳۹۰)، «خیبر، غزوه»، *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۱۶، تهران: بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، ص ۵۸۸.

۸ ابوجعفر محمدبن جریر طبری (۱۳۸۷)، *تاریخ الامم والملوک*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، ج ۳، بیروت: دار التراث، ص ۹.

۹ ابو الربیع حمیری کلاعی (۱۴۲۰ق)، *الاكتفاء بما تضمنه من معازی رسول الله (ص) والثلاثة الخلفاء*، تحقیق محمد عبد القادر عطا، ج ۱، بیروت: دار الکتب العلمیة، ص ۴۷۷.

علی بن محمد مدائنی آورده است: «خرج فی المحرم، و افتتحها فی صفر، و رجع لغزوة شهر ربیع الأول». <sup>۱</sup> یعنی رسول الله (ص) در محرم از مدینه به سمت خیبر خارج شد، در صفر خیبر را فتح کرد و در اول ماه ربیع الاول به مدینه بازگشت. <sup>۲</sup> با توجه به این قول، منشأ قول ضعیف شروع این غزوه پس از دیدن هلال ربیع الاول که واقدی <sup>۳</sup> و نیز مقریزی <sup>۴</sup> به آن اشاره کرده‌اند، روشن می‌شود زیرا این تاریخ مربوط به بازگشت پیامبر (ص) به مدینه از خیبر است و نه رفتن از مدینه به خیبر و احتمالاً در برخی منابع اولیه، تاریخ پایان به اشتباه، تاریخ شروع درج شده است.

«و حاصرهم رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بضعا و عشرين»<sup>۵</sup>

- محاصره بیست و چند روزه در تاریخ ۵۰۰۰۰ بن خیاط آمده است: حاصرهم بضعا و عشرين  
 ۵۰۰۰۰. اما به احتمال فراوان منبع طبرسی در نقل آن، ارشاد شیخ مفید بوده است. <sup>۶</sup> جالب آن است که به نوشته مفید، در جنگ احزاب، مشرکان مدینه را بیست و چند روز محاصره کردند (بضعا و عشرين) <sup>۷</sup> و در خیبر نیز پیامبر (ص) در مدت زمانی مشابه یهودیان را محاصره کرد. زمان محاصره در جنگ خندق در کتاب طبرسی نیز عیناً مطابق نوشته مفید است <sup>۸</sup> و دانسته است که ارشاد مفید از منابع اصلی وی بوده است.<sup>۹</sup>

- در برخی منابع آمده است که محاصره دژ قموص که مهم‌ترین دژ خیبریان بود، حدود بیست شب طول کشید. بیهقی این مطلب را از موسی بن عقبه نقل کرده است. <sup>۱۰</sup> اما ابن هشام از ابن اسحاق نقل کرده که محاصره دژهای وطیح و سلالم حدود بیست شب طول کشید و این دو دژ آخرین دژهایی بود که فتح شد. <sup>۱۱</sup> البته این گونه نیست که دو محاصره حدوداً بیست روزه انجام شده باشد بلکه حصن قموص، حصن وطیح و حصن سلالم هر سه بخش‌هایی از قلعه کتیبه بوده‌اند

۱ خلیفه بن خیاط (۱۴۱۵ق)، تاریخ، تحقیق مصطفی نجیب فواز و حکمت کشلی فواز، بیروت: دار الکتب العلمیة، ص ۳۷.

۲ نک. ناجی، همان، ص ۵۸۵.

۳ واقدی، همانجا.

۴ مقریزی، همان، ج ۱، ص ۳۰۶.

۵ خلیفه بن خیاط، همانجا.

۶ محمد بن محمد بن نعمان مفید (۱۴۱۳ق)، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۱، قم: کنگره شیخ مفید، ص ۱۲۵.

۷ مفید، همان، ج ۱، ص ۹۶.

۸ فضل بن حسن طبرسی، همان، ج ۱، ص ۱۹۲.

۹ نک. فضل بن حسن طبرسی، مقدمه، همان، ج ۱، ص ۲۲.

۱۰ بیهقی، همان، ج ۴، ص ۲۱۹؛ نیز نک. ذهبی (۱۴۰۹ق)، همان، ج ۲، صص ۴۱۷-۴۱۸.

۱۱ ابن هشام، همان، ج ۲، ص ۳۳۲؛ نیز نک. حمیری کلاعی، همان، ج ۱، ص ۴۸۰؛ ابو الفتح محمد بن سید الناس (۱۴۱۴ق)، عبون

الاثر فی فنون المغازی والشمال والسير، تعلیق ابراهیم محمد رمضان، ج ۲، بیروت: دار القلم، ص ۱۷۶.

و این قلعه کتیبه بوده که حدود بیست روز در محاصره بوده است.<sup>۱</sup> گفتنی است در روایت بیهقی از واقعی مدت این محاصره ۱۴ روز ذکر شده است<sup>۲</sup> اما ابونصرین مطهرین طاهر مقدسی مدت آن را ۱۷ روز نوشته که به حدود ۲۰ روز نزدیک تر است.<sup>۳</sup>

### «و بخیر أرف عشر ألف یهودی فی حصونهم»

- منبعی برای این نوشته طبرسی که در قلعه‌های خیبر چهارده هزار یهودی زندگی می‌کردند، یافت نشد. بر خلاف نوشته وی، یعقوبی می‌نویسد: و فیها عشرون الف مقاتل. یعنی آمار مردان جنگی آنان بیست هزار نفر بود.<sup>۴</sup> در حالی که طبرسی کل جمعیت یهودیان خیبر شامل زنان و کودکان و کهنسالان را چهارده هزار نوشته است. واقعی بر خلاف یعقوبی، آمار سپاهیان یهودی خیبر را ده هزار نوشته است.<sup>۵</sup> اگر این قول را بپذیریم،<sup>۶</sup> آنگاه آمار ی که طبرسی از جمعیت کل یهودیان خیبر داده، چندان دور از ذهن نخواهد بود. البته برخی منابع، شمار سپاه پیامبر(ص) در حمله به خیبر را هزار و چهارصد نفر نوشته‌اند و این احتمال ضعیف هم وجود دارد که این رقم به صورت چهارده هزار تصحیف و به آمار دشمن تحریف شده باشد.<sup>۷</sup>

- قطب راوندی(م ۵۷۳) که خود از شاگردان طبرسی است،<sup>۸</sup> در گزارش بسیار کوتاه خود از غزوه خیبر در کتاب *قصص الانبیاء* متکی به کتاب استادش بوده است و همین تعداد چهارده هزار نفری را برای آمار یهودیان ساکن در خیبر نوشته است.<sup>۹</sup>

«فجعل رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ يَفْتَتِحُهَا حَصْنَا حَصْنَا، وَ كَان مِنْ أَشَدِّ

حَصُونِهِمْ وَ أَكْثَرَهَا رَجَالًا الْقَمُوصِ»

۱ نک. محمدبن سعد(۴۱۸ق)، *الطبقات الكبرى*، ج ۲، بیروت: دارالکتب العلمیة، ص ۸۱؛ ابوالفرج عبدالرحمن بن علی بن جوزی(۴۱۲ق)، *المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم*، چاپ محمد عبدالقادر عطا، مصطفی عبدالقادر عطا و نعیم زرزور، ج ۳، بیروت: دارالکتب العلمیة، صص ۲۹۳ - ۲۹۴.

۲ بیهقی، همان، ج ۴، ص ۲۲۵.

۳ ابونصرین مطهرین طاهر مقدسی [بی تا]، *البدء و التاريخ*، چاپ کلمان هوار، پاریس، ۱۹۰۷، چاپ افست، ج ۴، بغداد: مکتبة المثنی، ص ۲۲۵.

۴ احمدبن ابی یعقوب یعقوبی [بی تا]، *تاریخ*، بیروت: دار صادر، چاپ افست ج ۲، قم: مؤسسه نشر فرهنگ اهل بیت(ع)، ص ۵۶.

۵ واقعی، همان، ج ۲، صص ۶۳۴، ۶۴۰.

۶ برای گزارش‌هایی درباره کثرت مردان جنگی آنان، نک. واقعی، همان، ج ۲، صص ۶۳۷، ۶۴۰ - ۶۴۱؛ مقریزی، همان، ج ۱، ص ۳۰۶؛ نیز نک. ناجی، همان، ص ۵۸۵ که در عین تأیید کثرت جنگاوران خیبری، رقم ده یا بیست هزار جنگجو را مبالغه‌آمیز دانسته است.

۷ واقعی، همان، ج ۲، ص ۶۸۹؛ مقدسی، همانجا؛ برخی منابع شمار سپاه اسلام را ۱۵۰۰ و ۱۵۴۰ تن نیز ذکر کرده‌اند؛ نک. ناجی، همان، ص ۵۸۵.

۸ حسین کریمان(۱۳۸۳)، «طبرسی، فضل بن حسن بن فضل»، *دائرة المعارف تشیع*، ج ۱۰، تهران: نشر شهید سعید محبی، ص ۴۷۷.

۹ سعیدبن هبالة قطب راوندی(۱۴۰۹ق)، *قصص الانبیاء*، تحقیق غلام رضا عرفانیان، مشهد: مؤسسه البحوث الاسلامیة، ص ۳۴۷.

••••• بن‌خیاط از ابن‌اسحاق نقل می‌کند که رسول‌الله (ص) قلعه‌های خیبر را یکی یکی فتح کرد. ابتدا حصن ناعم را گشود و سپس دژ قموص را که دژ بنی‌ابی‌الحقیق بود ... و دژهای وطیح و سلالم آخرین دژهایی بود که آن حضرت فتح کرد.<sup>۱</sup>

ابن‌سعد قلاع و دژهای خیبریان را چنین نام برده است: قلعه نطا • شامل حصن صعب‌بن‌مُعَاذ، حصن ناعم و • الزبیر. قلعه شق شامل حصن ابی و حصن نزار و قلعه کنیه شامل حصن قموص، حصن وطیح و حصن سلالم که دژ کنیه، دژ بنی‌ابی‌الحقیق بود.<sup>۲</sup> مقریزی نیز کلامی مشابه ابن‌سعد دارد جز آن که از دژی به نام البری نیز نام برده است که ظاهراً یکی از حصون قلعه شق بوده است.<sup>۳</sup> از نوشته یعقوبی<sup>۴</sup> ظاهر می‌شود که به احتمال فراوان منبع طبرسی در این باره، تاریخ یعقوبی بوده است: «فتحها حصناً حصناً، قتل المقتل • و سبی الذر • و کان القموص من أشدها و أمنعها، و هو الحصن الذی کان فیه مرحب‌بن‌الحارث الیهودی».<sup>۵</sup>

«فأخذ أبو بكر • المهاجرين فقاتل بها ثم رجع منهزماً، ثم أخذها عمر بن الخطاب من الغد فرجع منهزماً يجبن الناس و يجبنونه حتى ساء رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم ذلك فقال: لا عطين الر • غدا رجلاً كراراً غير فرار، يحب الله و رسوله و يحبه الله و رسوله، و لا يرجع حتى يفتح الله على يده. فعدت قريش يقول بعضهم لبعض: أما على فقد كفتيموه فإنه أرمدا لا يبصر موضع قدمه. و قال على عليه السلام لما سمع مقت • رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم: اللهم لا معطى لما منعت، و لا مانع لما أعطيت. فأصبح رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم و اجتمع إليه الناس. قال سعد: جلست نصب عينيه ثم جثوت على ركبتي ثم قمت على رجلي قائماً رجاء أن يدعوني، فقال: ادعوا لي علياً. فصاح الناس من كل جانب: إنه أرمدا رمداً لا يبصر موضع قدمه فقال: أرسلوا إليه و ادعوه فاتي به يقاد، فوضع رأسه على فخذه ثم تفل في عينيه، فقام و كأن عينيه جزعتان».

بحث نخست درباره کسانی است که پیش از علی (ع) برای فتح دژ قموص رفتند اما موفق به فتح آن نشدند.<sup>۶</sup> طبرسی در گزارش خود از ابوبکر و عمر نام برده و نوشته که پرچم مهاجران در دست آن دو بود و شکست خورده بازگشتند. قطب راوندی در الخرائج و الجرائح روایتی مشابه

۱ خلیفه‌بن‌خیاط، همان، ص ۳۷؛ نیز نک. ابن‌هشام، همان، ج ۲، صص ۳۳۰ - ۳۳۱؛ ابن‌کثیر، همان، ج ۴، ص ۱۹۲.

۲ ابن‌سعد، همان، ج ۲، ص ۸۱.

۳ مقریزی، همان، ج ۸، صص ۲۸۲ - ۳۸۳؛ نک. شهاب‌الدین احمد بن عبد الوهاب نویری (۱۴۲۳ق)، نهاية الارب فی فنون الادب، قاهره: دار الکتب و الوثائق القومية، ج ۱۷، ص ۲۵۱.

۴ یعقوبی، همان، ج ۲، ص ۵۶.

۵ درباره فتح دژ قموص نک. حسین دیاربکری [بی‌تا]، تاریخ الخميس فی احوال انفس النفیس، ج ۲، بیروت: دار صادر، ص ۴۸.

۶ قس. ناجی، همان، ص ۵۸۶.



استادش طبرسی آورده است.<sup>۱</sup> پیش از این دو، سید مرتضی در رساله قصه غزوه خیبر چنین نوشته که: ابوبکر و یارانش شکست خوردند و پس از وی عمر هم شکست خورد و پاهایش مجروح شد.<sup>۲</sup> اما در منابع شیعی گزارشی متفاوت نیز دیده می‌شود؛ ابومنصور طبرسی از امام باقر (ع) نقل کرده که رسول خدا (ص) سعدین عباده را با پرچم انصار فرستاد اما او شکست خورده و زخمی بازگشت. سپس آن حضرت، عمر را با پرچم مهاجران و انصار فرستاد و عمر هم ناموفق بازگشت و یاران خود را ترسو خواند و آن‌ها نیز عمر را ترسو خواندند. پیامبر (ص) ناراحت شد و سه مرتبه فرمود: مهاجران و انصار این گونه عمل می‌کنند.<sup>۳</sup>

در منابع سنی سخن از ابوبکر و عمر است. ابن هشام از ابن اسحاق و ابو عمرو بن اکوع نقل کرده که ابوبکر و پس از وی عمر به میدان رفتند اما پیروز نشدند (نمی‌گویند شکست خوردند).<sup>۴</sup> طبری<sup>۵</sup> و بیهقی نیز از بریده اسلمی نقل کرده‌اند که ابوبکر به سختی جنگید و بازگشت و پس از وی عمر شدیدتر از او جنگید و بازگشت.<sup>۶</sup> دیاربکری از روایتی سخن به میان آورده که در روز اول عمر به میدان می‌رود و در روز دوم ابوبکر و در روز سوم مجدداً عمر اما موفق به فتح نمی‌شوند.<sup>۷</sup> این منابع سنی به جهت احترام به شیخین از واژه شکست (منهزم) که در نوشته امین الاسلام طبرسی آمده، استفاده نمی‌کنند.<sup>۸</sup> ابن سید الناس نام عمر را ذکر نکرده و نوشته پیامبر (ص) مردی را فرستاد و او ترسید.<sup>۹</sup> پیش از او واقدی نیز نه نام ابوبکر را آورده و نه نام عمر را و فقط نوشته دو نفر از مهاجران بازگشتند در حالی که کاری نکرده بودند. نکته جالب در گزارش وی این است که او به سه نفر اشاره کرده و نفر سوم سعدین عباده است که با پرچم انصار رفت و مجروح بازگشت.<sup>۱۰</sup> این قسمت از گزارش واقدی با گزارش ابومنصور طبرسی مؤلف الاحتجاج به نقل از امام باقر (ع) شباهت دارد.

۱ سعیدبن هبة الله قطب راوندی (۱۴۰۹ق)، الخرائج والجرائج، مصحح سید محمدباقر موحد ابطحی، ج ۱، قم: مؤسسه امام مهدی (عج)، ص ۱۵۹.

۲ سید مرتضی (۱۴۱۰ق)، رسائل الشریف المرتضی، مصحح سید احمد حسینی، ج ۴، قم: دار القرآن الکریم، ص ۱۰۶.

۳ ابومنصور احمدبن علی طبرسی (۱۴۰۳ق)، الاحتجاج، مصحح سید محمدباقر موسوی خراسان، ج ۲، مشهد: انتشارات مرتضی، ص ۳۲۸.

۴ ابن هشام، همان، ج ۲، ص ۳۳۴.

۵ طبری، همان، ج ۳، صص ۱۱ - ۱۲.

۶ ابن کثیر، همان، ج ۴، ص ۱۸۶.

۷ دیاربکری، همان، ج ۲، ص ۴۸.

۸ نیز نک. ابن عبد البر اندلسی (۱۴۱۵ق)، الدرر فی اختصار المغازی والسير، شوقی ضیف، قاهره: وزارت اوقاف مصر، صص ۲۱۰ -

۲۱۱؛ مقریزی، همان، ج ۱۱، ص ۲۸۶.

۹ ابن سید الناس، همان، ج ۲، ص ۱۷۵.

۱۰ واقدی، همان، ج ۲، ص ۶۵۳.

کلام رسول الله (ص) درباره امیرالمؤمنین (ع) که هم ایشان خدا و رسول را دوست دارد و هم خدا و رسول ایشان را دوست دارند و نامیدن آن حضرت به کرار غیر فرار با اختلافاتی در الفاظ در منابع متعددی و از جمله در صحیح مسلم<sup>۱</sup> و سنن ترمذی<sup>۲</sup> نقل شده است.<sup>۳</sup> چشم درد حضرت علی (ع) و شفا یافتن آن حضرت به برکت آب دهان مبارک رسول خدا (ص) نیز در منابع متعددی نقل شده است. در نقلی آمده است که آن حضرت به رسول خدا (ص) عرض کرد چیزی نمی بینم نه پستی و نه بلندی. بعد پیامبر (ص) آن حضرت را شفا داد و بعد از آن دیگر به چشم درد مبتلا نشد.<sup>۴</sup> مقریزی ماجرای شفای آن حضرت را با ذکر جزئیات از طرق متعددی مانند بخاری، مسلم و نسائی نقل کرده است.<sup>۵</sup> محمدبن سلیمان کوفی شعری از حسان بن ثابت درباره شفا یافتن چشمان امام علی (ع) نقل کرده که آن را در همان روز سروده است.<sup>۶</sup> در برخی گزارشها آمده که پیامبر (ص) پس از شفا دادن چشم امام علی (ع) برای وی چنین دعا کرد: «اللهم اذهب عنه الحر والبرد» و از خود آن حضرت نقل شده که به سبب این دعای رسول خدا (ص) دیگر گرما و سرما آسیبی به ایشان نمی رسانید.<sup>۷</sup> شیخ صدوق، از ابوالطفیل عامرین واثله صحابی رسول الله (ص) نقل کرده که امام علی (ع) در شورای شش نفره به فضایلش و از جمله شفا یافتن چشمانش و این دعای رسول خدا (ص) درباره خود احتجاج کرد.<sup>۸</sup> علی رغم ذکر شدن این دعا در چند منبع شیعی، امین الاسلام طبرسی آن را نیاورده است.

- طبق نقل طبرسی، امام علی (ع) پیش از آن که پیامبر (ص) ایشان را فرا بخواند به درگاه خداوند این گونه مناجات کردند: اللهم لا معطى لما منعت، و لا مانع لما أعطيت.

۱ مسلم نیشابوری [بی تا]، الجامع الصحیح، ج ۵، بیروت: دار الفکر، ص ۱۹۵.

۲ ابوعیسی محمدبن عیسی ترمذی (۱۴۰۳ق)، سنن (الجامع الصحیح)، چاپ عبدالرحمن محمد عثمان، ج ۵، بیروت: دار الفکر، ص ۳۰۲.

۳ نک. مقریزی، همان، ج ۱۱، ص ۲۷۹.

۴ واقدی، همان، ج ۲، ص ۶۵۴؛ مقریزی، همان، ج ۱، ص ۳۱۰.

۵ مقریزی، همان، ج ۱۱، صص ۲۸۲ - ۲۹۳.

۶ محمدبن سلیمان کوفی (۱۴۱۲ق)، مناقب الامام امیر المؤمنین (ع)، چاپ محمدباقر محمودی، ج ۲، قم: مجمع احیاء الثقافة الاسلامیه، صص ۴۹۸ - ۴۹۹.

۷ نک. محمدبن یزیدبن ماجه قزوینی [بی تا]، سنن، چاپ محمد فؤاد عبدالباقی، ج ۱، بیروت: دار الفکر، ص ۴۳؛ محمدبن محمدبن نعمان مفید (۱۴۱۴ق)، الامالی، چاپ حسین استاد ولی و علی اکبر غفاری، بیروت: دار المفید، صص ۳۱۷ - ۳۱۸؛ مقریزی، همان، ج ۱۱، صص ۲۷۸ - ۲۸۰.

۸ ابوجعفر محمدبن علی بن بابویه قمی مشهور به صدوق (۱۴۰۳ق)، الخصال، به کوشش علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، صص ۵۵۳ - ۵۵۵.

در منابع پیش از طبرسی این دعا از زبان آن حضرت یافت نشد. اما در دعای پیامبر(ص) بعد از غزوه احد عبارتی شبیه آن با یک جابه‌جایی آمده است: ... و لا مانع لما اعطیت و لا معطى لما منعت ...<sup>۱</sup> این عبارت در ضمن ادعیه دیگری از پیامبر(ص) نیز نقل شده است مانند دعای پس از برخاستن از رکوع و پس از هر نماز.<sup>۲</sup> از کعب الاحبار نقل شده که: پیامبر(ص) بعد از نماز دعایی می‌خوانده که حاوی این عبارت است و در اصل آن دعا، دعای داود نبی(ع) بوده است.<sup>۳</sup> این ذکر در کتب ادعیه شیعی نیز دیده می‌شود که از آن جمله است در دعای پس از نمازی که رسول الله(ص) برای اول ماه رجب به سلمان فارسی آموخت<sup>۴</sup> و نیز در دعای یستشیر که امیرالمؤمنین(ع) آن را از پیامبر(ص) نقل کرده است.<sup>۵</sup>

در آثار احمدی این دعا از امیرالمؤمنین(ع) به همان صورتی که طبرسی آورده، روایت شده که به احتمال قوی مأخذ آن اعلام‌الوری بوده است.<sup>۶</sup> مجلسی نیز این دعا را به نقل از طبرسی در *حیوة القلوب* آورده است.<sup>۷</sup> در بین سیره نویسان سنی متأخر، دیاربکری (م ۹۶۶) و حلبی (م ۱۰۴۴)<sup>۸</sup> این دعا را به همین کیفیتی که در *اعلام‌الوری* آمده در کتاب خود آورده‌اند اما با این که معمولاً منبع خود را ذکر می‌کنند، در این مورد نوشته‌اند روایت شده است. ممکن است دیاربکری این مطلب را از کتاب طبرسی نقل کرده و نظر به شیعه بودن طبرسی، از آوردن نام وی خودداری کرده باشد. حلبی هم به احتمال فراوان از دیاربکری گرفته است.

- امین الاسلام طبرسی بخشی از گزارش خود را از سعد نقل کرده اما مشخص نیست که این سعد، سعد بن عباد است و یا سعد بن ابی وقاص. هر چند منبع این گزارش وی یافت نشد اما به احتمال فراوان سعد بن ابی وقاص مراد بوده است زیرا مسلم در صحیح خود حدیث پیامبر(ص) درباره دادن

۱ ذهبی(۱۴۰۹ق)، همان، ج ۲، ص ۱۹۸؛ ابن کثیر، همان، ج ۴، صص ۳۸-۳۹.

۲ ابوعبدالله محمد بن اسماعیل بخاری [بنی‌تأ]، صحیح، ج ۱، بیروت: دار الفکر، ص ۲۰۵؛ محمد بن یوسف صالحی شامی(۱۴۱۴ق)، *سبل الیهدی والرشد فی سیرة خیر العباد*، ج ۸، بیروت: دار الکتب العلمیه، صص ۱۳۹، ۱۷۳.

۳ صالحی شامی، همان، ج ۸، صص ۱۶۸-۱۶۹؛ البته ممکن است کعب الاحبار به عنوان یک یهودی به ظاهر مسلمان شده این مطلب را از این جهت گفته باشد که برای دعای پیامبر(ص) ریشه یهودی نشان دهد یا بسازد.

۴ ابوجعفر محمد بن حسن طوسی(۱۴۱۱ق)، *مصباح‌المتجهد*، چاپ علی اصغر مروارید، بیروت: مؤسسه فقه الشیعه، صص ۸۱۷-۸۱۸.

۵ سید بن طاووس [بنی‌تأ]، *مهج الدعوات و منهج العبادات*، تهران: کتابخانه سنائی، صص ۱۲۲-۱۲۴.

۶ احمد بن تاج الدین استرآبادی(۱۳۷۴)، *آثار احمدی*، به کوشش میر هاشم محدث، تهران: میراث مکتوب، ص ۲۵۵.

۷ محمدباقر مجلسی(۱۳۸۴)، *حیوة القلوب*، ج ۴، قم: سرور، ص ۱۱۲۵.

۸ دیاربکری، همان، ج ۲، ص ۴۸.

۹ ابوالفرج نور الدین علی حلبی(۱۴۲۷ق)، *انسان العیون فی سیرة الامین المؤمن (السیرة الحلبیه)*، بیروت: دار الکتب العلمیه، ج

۳، ص ۵۲.

پرچم به علی (ع) و شفای چشمان ایشان را از سعد بن ابی وقاص نقل کرده است.<sup>۱</sup> دیاربکری نیز خبری به نقل از وی درباره غزوه خیبر آورده است.<sup>۲</sup>

- در برخی منابع سنی آمده حضرت علی (ع) ابتدا به جهت درد چشم در مدینه مانده و به خیبر نرفته است و بعداً راه افتاده و در راه و یا در خیبر به سپاه پیامبر (ص) پیوسته است.<sup>۳</sup> البته این گزارش محل تأمل است زیرا ابن عبدالبر از ابن اسحاق نقل کرده که وقتی پیامبر (ص) به سمت خیبر حرکت کرد، حضرت علی (ع) پرچمدار سپاه بود و پرچمش سفید رنگ بود.<sup>۴</sup> همین مطلب در سیره ابن هشام بدون استناد به ابن اسحاق و از قول خود ابن هشام آمده است.<sup>۵</sup>

«ثم أعطاه الرمح و دعا له».

- واقدی می نویسد: ثم دفع إليه اللواء، و دعا له و من معه من أصحابه بالنصر. از نوشته واقدی روشن می شود که پیامبر (ص) برای پیروزی امام علی (ع) دعا کرده است.<sup>۶</sup>

«فخرج يهرول هرول، فوالله ما بلغت اخراهم حتى دخل الحصن».

- ادامه روایت طبرسی تلخیص گزارش... بن عمرو بن اكوع اسلمی (م ۷۴) از اصحاب رسول خدا (ص) و از تیراندازان شجاع سپاه اسلام<sup>۷</sup> از فتح نهایی خیبر به دست مبارک امام علی (ع) است که ابن هشام آن را نقل کرده است: «فخرج الله بها يأنح، يهرول هرول، و إنا لخلقته نتبع أثره، حتى ركز رايته في رضم من حجاره تحت الحصن، فاطلع إليه يهودي من رأس الحصن، فقال: من أنت؟ قال: أنا علي بن أبي طالب. قال: يقول اليهودي: علوتهم، و ما أنزل على موسى، أو كما قال. قال: فما رجع حتى فتح الله على يديه».<sup>۸</sup> این گزارش را یونس بن بکیر از ابن اسحاق و او به سندش از سلمه نقل کرده است.<sup>۹</sup>

«قال جابر: فأعجلنا أن نلبس أسلحتنا، و صاح سعد: يا أبا الحسن أربيع يلحق بك الناس، فأقبل

۱ مسلم نیشابوری، همان، ج ۷، ص ۱۲۰.

۲ دیاربکری، همان، ج ۲، ص ۴۸.

۳ بخاری، همان، ج ۵، ص ۷۶؛ بیهقی، همان، ج ۴، ص ۲۰۶؛ نک. دیاربکری، همان، ج ۲، ص ۴۸؛ حلبی، همان، ج ۳، ص ۵۲.

۴ ابن عبد البر، همان، صص ۲۰۹ - ۲۱۰.

۵ ابن هشام، همان، ج ۲، ص ۳۲۸؛ نیز نک. حمیری کلاعی، همان، ج ۱، ص ۴۷۷.

۶ واقدی، همان، ج ۲، ص ۶۵۴.

۷ نک. شمس الدین ابوعبدالله محمد بن احمد ذهبی (۱۴۱۳)، *الكاشف في معرفة من له رواية في الكتب الستة*، تحقیق محمد عوامه و احمد محمد نمر خطیب، ج ۱، جدة: دارالقبلة للثقافة الاسلامية و مؤسسة علوم القرآن، ص ۴۵۴.

۸ ابن هشام، همان، ج ۲، ص ۳۳۵.

۹ نک. بیهقی، همان، ج ۴، صص ۲۰۹ - ۲۱۰؛ ابن کثیر، همان، ج ۴، ص ۱۸۶.

حتی رکزها قریباً من الحصن فخرج إليه مرحب فی عام ۳۱۰ الیهود فبارزه فضرب رجله فقطعها و سقط، و حمل علیّ و المسلمون علیهم فأنهزموا».

- این قسمت از گزارش امین الاسلام طبرسی که به نقل از جابر بن عبدالله انصاری است در منابع پیش از اعلام الوری یافت نشد.

«قال أبان: حدّثنی زرارۀ قال: قال الباقر علیه السلام: انتهى إلى باب الحصن و قد اغلق فی وجهه فاجتذبه اجتذاباً و تترّس به، ثمّ حمّله علی ظهره و اقتحم الحصن اقتحاماً، و اقتحم المسلمون و الباب علی ظهره. قال: فوالله ما لقی علیّ علیه السلام من الناس تحت الباب أشدّ ممّا لقی من الباب، ثمّ رمی بالباب رمياً».

- طبرسی چنان که خود ذکر کرده این قسمت را از کتاب المتبداً و المبعث و المغازی و الوقوف  
 ..... و الروی تالیف ابان بن عثمان احمر بجلی (م حدود ۱۷۰) از اصحاب امام صادق (ع) نقل کرده است. این کتاب از اصلی ترین منابع شیعی امین الاسلام طبرسی در نگارش اعلام الوری بوده است. از آن جا که اصل کتاب ابان به دست ما نرسیده است نقل های متعدد طبرسی از این کتاب متقدم شیعی بسیار با ارزش است.<sup>۱</sup> این خبر را که ماجرای کندن در قلعه به کرامت امام علی (ع) به روایت امام باقر (ع) است<sup>۲</sup> دو شاگرد طبرسی<sup>۳</sup> یعنی ابن شهر آشوب<sup>۴</sup> و قطب راوندی<sup>۵</sup> نیز نقل کرده اند.

- ماجرای کنده شدن در قلعه خیبر به دست توانای امام علی (ع) در منابع متعدد اهل تسنن نیز آمده است.<sup>۶</sup> یونس بن بکیر از ابن اسحاق و او به سندش از ابورافع مولی رسول الله (ص) نقل کرده که امام علی (ع) در قلعه را کند و آن را سپر خود در برابر دشمن قرار داد. وقتی که آن حضرت فتح قلعه را به پایان برد و درگیری خاتمه یافت. من و ۷ نفر دیگر نتوانستیم آن در را بلند کنیم. به علاوه ابن عساکر نقل کرده که ۴۰ مرد برای بلند کردن آن در لازم بود.<sup>۷</sup>

۱ ابان بن عثمان احمر بجلی (۱۴۱۷ق)، المبعث و المغازی و الوقاة و السقیفة و الردة، به کوشش رسول جعفریان، قم: مکتب العلم الاسلامی، ص ۱۹.

۲ ابان بن عثمان احمر بجلی، همان، ص ۸۹.

۳ کریمان، همان، ص ۴۷۷.

۴ ابوعبدالله محمد بن علی بن شهر آشوب (۱۳۷۶)، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، نجف: المطبعة الحیدریة، ص ۱۲۵.

۵ قطب راوندی، قصص الانبیاء، ص ۳۴۷.

۶ برای نمونه نک. ابن هشام، همان، ج ۲، ص ۳۳۵؛ احمد بن حنبل ابی تا، مسند، ج ۶، بیروت: دار صادر، ص ۸؛ طبری، همان، ج ۳، ص ۱۳.

۷ ابوالقاسم علی بن حسن ابن عساکر (۱۴۱۵ق)، تاریخ مدینة دمشق، چاپ علی شیری، ج ۴۲، بیروت: دار الفکر، صص ۱۱۰ - ۱۱۱؛ برای تفصیل بیشتر در این باره نک. ناجی، همان، صص ۵۸۶ - ۵۸۷.

«و خرج البشير إلى رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: أن علياً دخل الحصن، فأقبل رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم، فخرج علياً يتلقاه، فقال صلى الله عليه وآله وسلم: قد بلغني نبأك المشكور وصنيعك المذكور، قد رضى الله عنك ورضيت أنا عنك. فبكى علياً عليه السلام، فقال له: ما يبكيك يا علي؟ فقال: فرحاً بأن الله ورسوله عنى راضيان.

قال: وأخذ علياً فيمن أخذ. بنت حبي، فدعا بلالاً فدفعها إليه وقال له: لا تضعها إلّا فى يدى رسول الله حتى يرى فيها رأيه، فأخرجها بلالاً ومرّبها إلى رسول الله على التلى، وقد كادت تذهب روحها فقال صلى الله عليه وآله وسلم لبلال: أنزعت منك منى؟ يا بلال! ثم اصطفاها صلى الله عليه وآله وسلم لنفسه، ثم أعتقها وتزوجها.

قال: فلما فرغ رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم من خيبر عقد لواء ثم قال: من يقوم إليه فيأخذه بحقه؟ وهو يريد أن يبعث به إلى حوائط فدك، فقام الزبير إليه فقال: أنا، فقال له: امط عنه. ثم قام إليه سعد، فقال: امط عنه، ثم قال: يا علي قم إليه فخذها فأخذه فبعث به إلى فدك فصالحهم على أن يحقن دماءهم، فكانت حوائط فدك لرسول الله صلى الله عليه وآله وسلم خاصاً خالصاً. فنزل جبرئيل عليه السلام فقال: إن الله عزّ وجلّ يأمرك تؤتى ذا القربى حقه. فقال: يا جبرئيل ومن قرباى وما حقه؟ قال: فاطمة فأعطها حوائط فدك، وما لله ورسوله فيها. فدعا رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم منى عليها السلام وكتب لها كتاباً جاءت به بعد موت أبيها إلى أبى بكر و قالت: هذا كتاب رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم لى ولابنى.

قال ولما افتتح رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم خيبر أتاه البشير بقدم جعفر بن أبى طالب وأصحابه من إلى المدينة، فقال: ما أدرى بأيهما أنا أسر، بفتح خيبر أم بقدم جعفر».

- طبرسى این بخش را تماماً از کتاب ابان بن عثمان احمر نقل کرده است.<sup>۱</sup> قسمت اول گزارش وی که حاکی از اشک شوق امیرالمؤمنین علی (ع) به سبب رضای خدا و رسول از آن حضرت است، جز کتاب ابان در منبع دیگری (چه شیعی و چه سنی) یافت نشد. اما قسمت دوم که مربوط به بلال حبشی است که صفيه دختر حبی را که اسیر بود از کنار کشته‌های قومش عبور داد و پیامبر (ص) این کار وی را نکوهش کرد و نیز ازدواج پیامبر (ص) با صفيه پس از آزاد کردن وی در منابع متعددی آمده است.<sup>۲</sup>

۱ ابان بن عثمان احمر بجلي، همان، صص ۸۹ - ۹۰.

۲ برای نمونه نک. ابن هشام، همان، ج ۲، ص ۳۳۶؛ ابن سید الناس، همان، ج ۲، ص ۱۷۵.

- قسمت سوم که مربوط به فتح فدک و بخشیدن آن به حضرت فاطمه زهرا (س) است به این نحو که امین الاسلام طبرسی از کتاب ابان نقل کرده در منابع دیگر یافت نشد. هر چند اصل اعطای فدک به حضرت زهرا (س) از مسلمات تاریخی است و احمد بن عبدالعزیز جوهری (م ۳۲۳)، رساله‌ای در اثبات این موضوع نوشته است.<sup>۱</sup>

- قسمت پایانی که مربوط به خوشحالی پیامبر (ص) از بازگشت جعفر بن ابی طالب از حبشه است، در منابع متعدد شیعی و سنی آمده است.<sup>۲</sup>

«و عن سفیان الثوری، عن أبي الزبير، عن جابر قال: لما قدم جعفر بن أبي طالب عليه السلام من أرض الحبشة تلقاه رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم، فلما نظر جعفر إلى رسول الله حجل - یعنی مشی علی رجل واحده - إعظاماً لرسول الله، فقبل رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم ما بين عينيه».

- بیهقی این مطلب را با همین اسناد از نقل کرده است و تصریح کرده که در سند آن تا سفیان ثوری نام افراد مجهول الحال ذکر شده است.<sup>۳</sup> احتمالاً با وجود تصریح بیهقی به ضعف اسناد این روایت، طبرسی به مضمون آن اعتماد و آن را در کتاب خود درج کرده است. طبرانی مشابه این روایت را البته با تفصیل بیشتر نقل کرده است اما به جای سفیان ثوری در سند وی نام سفیان بن عیینه درج شده است.<sup>۴</sup> صالحی شامی این روایت طبرانی را نیز حدیثی منکر دانسته است.<sup>۵</sup>

«و روی زرارہ عن أبي جعفر عليه السلام: أن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم لما استقبل جعفرًا التزمه ثم قبل بين عينيه، قال: و كان رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم بعث قبل أن يسير إلى خيبر عمرو بن... الضمري إلى النجاشي عظيم...، و دعاه إلى الإسلام فأسلم، و كان أمر عمرا أن يتقدم بجعفر و أصحابه، فجهز النجاشي جعفرًا و أصحابه بجهاز حسن، و أمر لهم بكسوة، و حملهم في سفينتين».

۱ احمد بن عبد العزيز جوهری (۱۴۱۳ق)، السقیفة و فدک، به روایت ابن ابی الحدید معتزلی، محقق محمد هادی امینی، بیروت: شرکة الکتبی، صص ۹۷ - ۱۴۸؛ برای تفصیل بیشتر درباره اعطای فدک به حضرت زهرا (س) نک: محمد جواد طبری (۱۳۸۶ق)، حیاة الصدیقة فاطمة علیها السلام، قم: بوستان کتاب، صص ۲۲۳ - ۲۵۰.

۲ برای نمونه نک: یعقوبی، همان، ج ۲، ص ۵۶؛ ابوالحسن علی بن حسین مسعودی [بی تا]، التنبیه والاشراف، بیروت: دار صعب، ص ۲۲۳؛ نعمان مغربی [بی تا]، شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار، محقق سید محمد حسینی جلالی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، همان، ج ۳، ص ۲۰۴؛ ابوعبدالله حاکم نیشابوری [بی تا]، المستدرک علی الصحیحین، چاپ یوسف عبدالرحمن مرعشلی، ج ۲، بیروت: دار المعرفة، ص ۶۲۴.

۳ بیهقی، همان، ج ۴، ص ۲۴۶.

۴ ابوالقاسم سلیمان بن احمد طبرانی (۱۴۱۵ق)، المعجم الاوسط، المحقق طارق بن عوض الله حسینی، ج ۶، قاهره: دار الحرمین، صص ۳۳۴ - ۳۳۵.

۵ صالحی شامی، همان، ج ۱۱، ص ۱۰۷.

- طبرسی این قسمت را هم از کتاب ابان نقل کرده است.<sup>۱</sup> دانسته نیست که چرا طبرسی از نقل ادامه گزارش ابان از وقایع پس از غزوه خيبر صرف نظر کرده است. در ادامه کتاب ابان بنا بر آنچه که امروز به دست ما رسیده است دو روایت دیگر هم بوده است. یکی پرسش رسول الله (ص) از جعفر درباره عجب ترین چیزی که در حبشه دیده است که به نقل از کتاب ابان در کافی آمده است و دیگری ماجرای مسموم شدن رسول خدا (ص) توسط یکی از زنان خيبر به نام زینب بنت حارث (زن سلام بن مشکم از سران یهود) که به نقل از کتاب ابان در امالی امام ابوطالب هارونی از ائمه زیدیه آمده است.<sup>۲</sup> از نظر واقدی این سم، بیماری مزمنی در پیامبر (ص) ایجاد کرد که سرانجام در اثر آن از دنیا رحلت کرد و از این رو پیامبر (ص) شهید از دنیا رفته است.<sup>۳</sup>

- مشابه محتوای این گزارش که از امام باقر (ع) نقل شده است در طبقات ابن سعد بدون نقل از آن حضرت و به نقل از راویان دیگر آمده است.<sup>۴</sup>

### نتیجه گیری

امین الاسلام طبرسی مانند دیگر سیره نویسان شیعی به ناچار در تدوین کتاب خود از منابع اهل تسنن بسیار بهره برده، اما نگاه او به سیره نبوی و غزوات پیامبر (ص) شیعی است چنان که می توان گزارش وی از غزوه خيبر را تحریر شیعی گزارش منابع اهل تسنن دانست؛ به این شکل که اولاً با دید انتقادی از منابع اهل تسنن استفاده کرده و مطالب خود را از بین نوشته های مختلف آنان گزینش کرده و ثانیاً عصاره آثار و متون شیعی پیش از خود مانند ارشاد شیخ مفید و به ویژه کتاب ابان بن عثمان احمر را در متن آورده است و با استفاده از آن ماجرای اعطای فدک به حضرت زهرا (س) را که مورد بی توجهی عامدانه غالب منابع سنی قرار گرفته، برجسته کرده است. علاوه بر این گزارش وی حاوی نکاتی است که در دیگر منابع پیش از وی که به دست ما رسیده اند، موجود نیست و این به ارزش گزارش وی بسیار افزوده است. نکاتی مانند جمعیت چهارده هزار نفری قلعه های خيبر، نقل مناجاتی از امیر المؤمنین (ع) در غزوه خيبر و گزارش نبرد امام علی (ع) با مرحب به نقل از جابر بن عبدالله انصاری.

۱ ابان بن عثمان احمر بجلي، همان، ص ۹۰.

۲ نک. ابان بن عثمان احمر بجلي، همان، صص ۹۰ - ۹۱.

۳ واقدی، همان، ج ۲، صص ۶۷۷ - ۶۷۹.

۴ ابن سعد، همان، ج ۱، صص ۱۶۲، ۱۶۸ - ۱۶۹.



بهره‌برداری طبرسی از آثار اهل تسنن خالی از اشتباه نیست چنان که قول وی درباره زمان وقوع غزوه خیبر با توجه به منابع دیگر صحیح نیست. به علاوه هر چند بنای طبرسی بر اختصار بوده اما می‌توانست به مطالبی مرتبط با این غزوه که برای شیعیان بیشتر اهمیت دارد، اشاره کند؛ مثلاً شعر حسان بن ثابت درباره شفا یافتن چشمان امام علی (ع) و احتجاج امیر المؤمنین (ع) به شفا یافتن چشمانش و دعای پیامبر (ص) برای آن حضرت. در کنار این موارد، عدم اشاره به ماجرای مسمومیت پیامبر (ص) توسط زنی یهودی که در دو منبع در دسترس وی یعنی کتاب ابان و مغازی واقدی ذکر شده را می‌توان از کاستی‌های گزارش وی دانست.

### منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- ابان بن عثمان احمر بجلی (۱۴۱۷ق)، المبعث والمغازی والوفیات ..... والروء، به کوشش رسول جعفریان، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی (۱۴۱۲ق)، المنتظم فی تاریخ الملوک والامم، محمد عبدالقادر عطا، مصطفی عبدالقادر عطا و نعیم زرزور، بیروت: دار الکتب ..... .
- ابن حنبل، احمد [بی‌تا]، مسند، بیروت: دار صادر.
- ابن سعد، محمد (۱۴۱۸ق)، الطبقات الکبری، بیروت: دار الکتب ..... .
- ابن سید الناس، ابوالفتح محمد (۱۴۱۴ق)، عیون الاثر فی فنون المغازی والشمائل والسير، تعلیق ابراهیم محمد رمضان، بیروت: دار القلم.
- ابن شهر آشوب، ابو عبدالله محمد بن علی (۱۳۷۶ق)، مناقب آل امی طالب، نجف ..... الحیدر ..... .
- ابن عبدالبر اندلسی (۱۴۱۵ق)، الدرر فی اختصار المغازی والسير، چاپ شوقی ضیف، قاهره: وزارت اوقاف مصر.
- ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن حسن (۱۴۱۵ق)، تاریخ م..... دمشق، چاپ علی شیری، بیروت: دار الفکر.
- ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل [بی‌تا]، البیاه والنهی، بیروت: دار الفکر.
- ابن ماجه قزوینی، محمد بن یزید [بی‌تا]، سنن، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت: دار الفکر.
- ابن هشام [بی‌تا]، السیر النبویه، چاپ مصطفی سقا و دیگران، بیروت: دار المعرفه ..... .
- استرآبادی، احمد بن تاج‌الدین (۱۳۷۴)، آثار احمدی، به کوشش میر هاشم محدث، تهران: میراث مکتوب.
- بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل [بی‌تا]، صحیح، بیروت: دار الفکر.
- بیهقی، ابوبکر (۱۴۰۵ق)، دلائل النبویه و معونه احوال صاحب الشریعه، عبد المعطی امین قلجی، بیروت: دار الکتب ..... .
- ترمذی، ابو عیسی محمد بن عیسی (۱۴۰۳ق)، سنن الجامع الصحیح، تحقیق عبدالرحمن محمد عثمان، بیروت:

دارالفکر.

- جوهری، احمد بن عبد العزیز (١٤١٣ق)..... و فدک، به روایت ابن ابی الحدید معتزلی، تحقیق محمد هادی امینی، بیروت:.....الکتابی.
- حاکم نیشابوری، ابو عبدالله [بی تا]، المستدرک علی الصحیحین، چاپ یوسف عبدالرحمن مرعشلی، بیروت: دار.....
- حلبی، ابو الفرج نور الدین علی (١٤٢٧ق)، انسان العیون فی سیر الامین المؤمن (السیر.....)، بیروت: دار الکتب.....
- حمیری کلاعی، ابو الریبع (١٤٢٠ق)، الاکتفاء بما تضمنه من مغازی رسول الله (ص) والتابع والخلفاء، تحقیق محمد عبد القادر عطا، بیروت: دار الکتب.....
- ..... من خیاط (١٤١٥ق)، تاریخ، تحقیق مصطفی نجیب فواز و حکمت کتلی فواز، بیروت: دار الکتب.....
- دیاربکری، حسین [بی تا]، تاریخ الخمیس فی احوال انفس النفیس، بیروت: دار صادر.
- ذهبی، شمس الدین ابو عبدالله محمد بن احمد (١٤٠٩ق)، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر والاعلام، و توثق اصوله و خرج حدیثه و علق علیه عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: دار الکتب العربی.
- (١٤١٣ق)، الکاشف فی معر من له روه فی الکتب.....، تحقیق محمد عوامه و احمد محمد نمر خطیب، ج٥. دار..... الاسلام..... و مؤسسة علوم القرآن.
- سیدین طاووس [بی تا]، مهج الدعوات و منهج العبادات، [بی جا]: کتابخانه سنائی.
- سید مرتضی (١٤١٠ق)، رسائل الشریف المرتضی، چاپ سید احمد حسینی، قم: دار القرآن الکریم.
- صالحی شامی، محمد بن یوسف (١٤١٤ق)، سبل الهدی والرشاد فی سیر خیر العباد، بیروت: دار الکتب.....
- صدوق، ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه قمی (١٤٠٣ق)، الخصال، به کوشش علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- طبرانی، ابو القاسم سلیمان بن احمد (١٤١٥ق)، المعجم الاوسط، المحقق طارق بن عوض الله حسینی، قاهره: دار الحرمین.
- طبرسی، ابو علی فضل بن حسن (١٣٩٠ق)، اعلام الوری باعلام الهدی، تهران: دار الکتب الاسلامی.....
- طبرسی، ابو منصور احمد بن علی (١٤٠٣ق)، الاحتجاج، محقق سید محمد باقر موسوی خراسان، مشهد: انتشارات مرتضی، ١٤٠٣.
- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر (١٣٨٧ش)، تاریخ الامم والملوک، تحقیق محمد ابو الفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث.
- طبسی، محمد جواد (١٣٨٦ش)، حیات الص..... علیها السلام، قم: بوستان کتاب.
- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (١٤١١ق)، مصباح المنتهجد، چاپ علی اصغر مروارید، بیروت: مؤسسه.....
- قطب راوندی، سعید بن..... الله (١٤٠٩ق)، الخرائج والجرائح، چاپ سید محمد باقر موحد ابطحی، قم: مؤسسه امام مهدی (عج).

- (۱۴۰۹ق)، *قصص الانبياء*، به کوشش غلام رضا عرفانیان، مشهد: مؤسسه البحوث الاسلامیه.
- کریمان، حسین (۱۳۸۳ش)، «طبرسی، فضل بن حسن بن فضل»، *دائرة المعارف تشیع*، ج ۱۰، تهران: نشر شهید سعید محبی.
- کوفی، محمد بن سلیمان (۱۴۱۲ق)، *مناقب الامام امیر المؤمنین (ع)*، چاپ محمدباقر محمودی، قم: مجمع احیاء التراث العربیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۴)، *حیوة القلوب*، قم: سرور.
- مسعودی، ابو الحسن علی بن حسین [بی تا]، *التنبيه والاشراف*، بیروت: دار صعب.
- مسلم نیشابوری [بی تا]، *الجامع الصحیح*، بیروت: دار الفکر.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق)، *الارشاد فی معجم حجج الله علی العباد*، قم: کنگره شیخ مفید.
- (۱۴۱۴ق)، *الامالی*، تحقیق حسین استاد ولی و علی اکبر غفاری، بیروت: دار المفید.
- مقدسی، ابونصر بن مطهر بن طاهر [بی تا]، *البدء والتاریخ*، چاپ کلمان هوار، پاریس، ۱۹۰۷، چاپ افست بغداد: المثنی.
- مقریزی، تقی الدین (۱۴۲۰ق)، *امتاع الاسماع بما للنبي من الاحوال والاموال والحضه والمتاع*، تحقیق و تعلیق محمد عبد الحمید نمیسی، بیروت: دار الکتب.
- ناجی، محمدرضا (۱۳۹۰)، «خیبر، غزوه»، *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۱۶، تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی.
- نعمان مغربی [بی تا]، *شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار*، محقق سید محمد حسینی جلالی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- نویری، شهاب الدین احمد بن عبد الوهاب (۱۴۲۳)، *نزهة الارب فی فنون الادب*، قاهره: دار الکتب والوثائق القومیة.
- واقدی، ابو عبدالله محمد بن عمر (۱۴۰۹)، *المغازی*، تحقیق مارسدن جونز، بیروت: الاعلمی.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب [بی تا]، *تاریخ*، بیروت: دار صادر، چاپ افست قم: مؤسسه نشر فرهنگ اهل بیت (ع).

